درچنین حال نیز شکر وستایش من مشغول است پس این قول استیناف است و جمله
اسمیه حال است از مفعول نه از فاعل کما تقرر ومولانا حنفی تجویز حالیت از فاعل نیز
کرده   وَمَنْ حَضَرَهُ عِنْدَهُ فَلْيُلَقِّنْهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ م عو تلقین
معلوم است از تلقین بمعنی تفهیم یعنی در صحیح مسلم وسنن اربعه مرویست از ابو سعید خدری
رض که رسول خدا فرموده است وکسی که حاضر شود نزد محتضر پس باید که تلقین کند و
بفهماند او را کلمه توحید یکبار نیز جمهور وقیل بسیار برای آنکه اگر غافل است و برای
از دیاد حضور اگر حاضر است و تکلیف نکند او را که بگوید تلقین کلمه توحید نزد محتضر
متفق علیه است وجاری است در عرف عام وخاص اما تلقین این کلمه بعد از دفن در
جواز این اختلاف است وحدیث لقنوا موتاکم لا اله الا الله محمل تفسیره حدیث
من حضر عنده فليلقنه الى آخره لان التلقين انما يكون للحي المدرك كمال
الحي بمعادر وجادون الميت والاستعمال اللفظ في معنيه الحقيقي والمجاز
مختلف فيه فالاولى الحمل على التلقين المتفق عليه   مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ   لفظ آخر مرفوع است ودر نسخه است بنصب
یعنی در سنن ابو داود وصحیح مستدرک حاکم مرویست از معاذ بن جبل رض که رسول
خدا فرموده است کسی که باشد آخر کلام او این کلمه توحید که عبارتست از شهادتین
داخل گردد در بهشت واز غرائب است که ابن عیینه در رسالت نزع گفت عن
النبي صلى الله عليه وسلم من كان آخر كلامه لا اله الا الله ومرد بر همین گفتن
إِذَا غَمَضَهُ دَعَا لِنَفْسِهِ بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤَمِّنُونَ عَلَى مَا
يَقُولُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِفُلَانٍ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُفْهُ
فِي عَقِبِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

وافسح

وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ تغمیض چشم فرو خوابانیدن خلف بجای
کسی بودن در کاری از باب نصر فسحت بضم فراخی فسح فراخ کردن از باب فتح
یعنی در صحیح مسلم و در سنن ابو داود ونسائی وابن ماجه مرویست از ام سلمه رض
که رسول خدا فرموده است و وقتی که بپوشند یا چشم میت را دعا کنند برای نفس خود
بالنفس میت بخیر ای بر نیکی و بهترین دعاها طلب حسن خاتمت است زیرا که ملائکه
آمین می گویند بر هر چه می گوید مصیبت زده یا حاضر نزد محتضر یا پوشنده چشم میت
پس بگوید یا از پس چشم کس اللهم بار خدایا مغفرت کن وبیامرز فلان میت را و
نام یاد کند وتقدیم دعای میت برای اقتضای مقام است وبلند کن مرتبه او را
در جماعه که هدایت کرده شده اند بسوی حق و راه راست یافته اند وخلیفه میت
باش در هر عقب او ای در فرزندان و اهل او که کاین اند در جمله باقیان از مرد
ای والمان مردمان [illegible] و از ثانی او قبول کن تا مقبول باشند در میان مردم و
واغفر لنا وبیامرز ما را و میت را ای پروردگار هژده هزار عالم وافسح بفتح سین
وفراخ کن مکان را برای میت در گور او و منور کن مکان را برای او در قبر او
وَلْيَقُلْ أَهْلُهُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلَهُ وَأَعْقِبْنِي عُقْبَى حَسَنَةً   اعقب صیغه
امر است از اعقاب بمعنی ابدال وتعویض عقبی کبشری یعنی در صحیح مسلم و در سنن
اربعه مرویست از حضرت ام سلمه رض که رسول خدا فرموده است وباید که بگویند اهل
کسان میت هر یک اللهم بار خدایا بیامرز مرا و مر این میت را و بدل د[هد]
عوض عطا کن مرا از آن میت بدل و عوضی که نیک است وصالح وحسن   وَاقْرَأُوا
عَلَيْهِمْ سُورَةَ يس   نفر معلوم است و مجهول در نسخ یعنی در
سنن نسائی وابو داود وابن ماجه وصحیح ابن حبان ومستدرک حاکم مرویست از

Copyright © King Saud University